



نمودار ۲: اثر تعاملی سطح پردازش و بافت مفهومی را در سوالات یادآوری

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سطح پردازش سؤال، تعامل نوع بافت با نوع سؤال و تعامل نوع بافت با نوع پردازش بر عملکرد حافظه اثر مثبت و معنی‌داری دارند ولی نوع سؤال و نوع بافت به تنهایی اثر معنی‌داری بر عملکرد حافظه دانشجویان نداشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت که طرح سؤال برای آزمون، از نظر شناختی کاری پیچیده است و نیازمند توجه چند بعدی به نوع سؤال، نوع بافت مفهومی و سطح پردازش سؤال و سایر عوامل به صورت همزمان است. بنابراین با توجه به اثرات تعاملی متغیرهای مستقل، میزان بازیابی مطالب حافظه توسط دانشجویان، تنها بستگی به نوع سؤال نداشته، بلکه به میزان تناسب نوع سؤال با متغیرهای بافت مفهومی مطلب مورد سؤال و سطح پردازش آن سؤال دارد.

بالاترین عملکرد دانشجویان در گروهی بود که آزمون بازشناسی را با بافت مفهومی درونی و سطح پردازش عمیق دریافت کرده بودند و کمترین نمره‌ها در هر دو آزمون یادآوری و بازشناسی مربوط به گروهی از دانشجویان بود که سوالات بافت مفهومی

درونی را با سطح پردازش سطحی دریافت کردند. این نکته به طور ضمنی نشان می‌دهد که در بین سه عامل، مهم‌ترین عامل در بازیابی، سطح پردازش سؤال است و بافت مفهومی و نوع سؤال تنها در تعامل با سطح پردازش سؤال، بر عملکرد حافظه تأثیر دارند. همچنین نمره آزمون یادآوری با سئوالات بافت درونی از نمره آزمون یادآوری با سئوالات بافت بیرونی در هر دو سطح پردازش پایین‌تر بود. به نظر می‌رسد بازسازی بافت مفهومی مورد آزمون در سئوالات یادآوری با بافت درونی به وسیله سطح پردازش سؤال تعدیل شده و به نوعی باعث تقویت یا تضعیف عملکرد حافظه بر حسب درونی یا بیرونی بودن بافت مفهومی مورد سؤال می‌شود، ولی در سئوالات یادآوری با بافت بیرونی سرنخ‌های بیشتری (غیر از بافت مفهومی سؤال) برای یادآوری در دسترس می‌باشد.

یافته‌های تحقیق همسو با نظریه عمق پردازش کریک و لاکهارت (۱۹۷۲) بود که بر اساس آن پردازش‌های عمقی به عملکرد بالاتر حافظه منجر می‌شوند. در تأیید نتایج تحقیق حاضر، یافته‌های کریک و تالوینگ (۱۹۷۵) پژوهان و ایروانی (۱۳۸۲)، مهدویان و کرمی نوری (۱۳۸۵)، زارع و همکاران (۱۳۸۶)، کرمی نوری (۱۳۹۰)، مولیگان (۲۰۰۳)، جارولد و همکاران (۲۰۱۱)، تیون، وکیل، گلدستاین و لوی (۲۰۱۲) نیز بر پردازش‌های عمقی‌تر برای یادآوری و بازشناسی بهتر تأکید دارد.

در نظریه پردازش انتقال مناسب رویدیگر و مک‌درموت (۱۹۹۳) سطح پردازش شناختی به عنوان نوعی نشانه بازیابی در نظر گرفته شد که بر این اساس هماهنگ بودن سطح پردازش در زمان یادگیری و زمان آزمون باعث عملکرد بهتر حافظه است. با توجه به این که مطالعه متن آموزشی پردازش عمقی لازم داشت، گروه‌هایی که سئوالات با پردازش عمیق را دریافت کرده بودند، نمره عملکرد حافظه بالاتری داشتند لذا تحقیق حاضر همسو با نظریه رویدیگر و مک‌درموت می‌باشد. همچنین با توجه به این که نتایج تحقیق نشان داد که بافت مفهومی محتوا می‌تواند در تعامل با نوع سئوالات آزمون به عنوان نشانه‌ای برای

یادگیری بوده و بافت سئوال‌ات در هنگام آزمون نیز می‌تواند به عنوان نشانه‌ای برای بازیابی اطلاعات در نظر گرفته شود، نتایج تحقیق حاضر با نظریه رمزگردانی اختصاصی تالوینگ (وایزمن و تالوینگ ۱۹۷۶) همسو است که بر اساس آن موضوع مورد یادآوری با توجه به بافتی که مورد مطالعه قرار گرفته رمزگردانی می‌گردد.

از نظر تأثیر بافت بر عملکرد حافظه، تحقیق حاضر با آن دسته از تحقیقاتی که به نوعی بافت را - بافت خلقی، فیزیولوژیک، انگیزی و شناختی - بر عملکرد حافظه موثر می‌دانند همسو است. از این جمله می‌توان به گادن و بدلی (۱۹۷۵)، راتکوف و بلانی (۱۹۹۱)، مک کورمیک، مایر و استرانگ^۱ (۱۹۹۵)، زارع و همکاران (۱۳۸۷)، سعدی پور و همکاران (۱۳۸۷)، موسوی و کرمی نوری (۱۳۸۷)، نجاتی (۱۳۸۸)، اسمیت و ولا^۲ (۲۰۰۱)، اسکولز و همکاران^۳ (۲۰۱۱)، ویک لاوزاری و بارسکی^۴ (۲۰۰۱) و نصرتی و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد. در مقابل، از این نقطه نظر که پژوهش حاضر چارچوب مفهومی محتوا در محیط‌های آموزشی را، به عنوان بافت موثر برای بازیابی اطلاعات، و عملکرد دانشجویان را در آزمون‌های پیشرفت به عنوان نشانگر عملکرد حافظه در رویکرد حافظه روزمره در نظر گرفته است، همتایی در داخل و خارج^۵ پیدا نشد.

به عنوان جمع بندی و با توجه به این که بافت مفهومی سؤال در تعامل با نوع سؤال و سطح پردازش نقشی اساسی در عملکرد حافظه دارند، پیشنهاد می‌شود مولفان کتب درسی نقشه شناختی و مفهومی کتاب را در نظر داشته و راهکارهایی برای برجسته‌تر کردن این نقشه و فعال نمودن فراگیران در درک نقشه مفهومی و بازسازی فعالانه آن، در زمان یادگیری داشته باشند. همچنین طراحان سؤال از سئوال‌ات بازنشاسی با بافت درونی، برای

1. McCormick & Mayer & Strong

2. Smith & Vela

3. Schulz et. al

4. Woike & Lavezzary & Barsky

۵ با توجه به جستوهای انجام شده در سایت های [www. SID. ir](http://www.SID.ir)، [www. irandoc. ac. ir](http://www.irandoc.ac.ir)، و منابع قابل

دسترس از طریق سیستم دانشیار به آدرس [http://www. daneshyar. net](http://www.daneshyar.net) تا اسفند ماه ۱۳۹۰

ارزشیابی از مفاهیم اصلی، نظریه‌ها و اصول و از سئوالات یادآوری با بافت بیرونی برای ارزشیابی نکات فرعی و خارج از چارچوب مفهومی استفاده نمایند تا منجر به بازیابی بهتر و نمرات بالاتری برای فراگیران شوند. پیش بینی می‌شود تحقیق حاضر تحقیقات بیشتری در زمینه حافظه در علوم تربیتی را به دنبال داشته باشد و بتوان نتایج را به دانش‌آموزان نیز تعمیم داد.

منابع

- اورنگی، مریم و عاطف وحید، کاظم و عشایری، حسن (۱۳۸۱) هنجاریابی مقیاس حافظه تجدیدنظر شده و کسلر در شهر شیراز. *نشریه اندیشه و رفتار*. سال ۷. شماره ۴. صص ۵۷ تا ۶۶.
- بهرامی، هادی (۱۳۷۷) *آزمون‌های روانی، مبانی نظری و فنون کاربردی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- پژهان، مهرداد و ایروانی، محمود (۱۳۸۲)، تأثیر سطح پردازش و دستورالعمل و نوع آزمون بر آماده‌سازی در آزمون‌های حافظه. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*. سال ۳۳. شماره ۲. صص ۱۳۱ تا ۱۵۳.
- زارع، حسین و فرزاد، ولی اله، عبدالهی، محمدحسین و مرادی، علیرضا (۱۳۸۶)، مقایسه تأثیر تغییر حسی اطلاعات معمولی و آزمایشگاهی بر عملکرد حافظه آشکار و ناآشکار. *مجله روان‌شناسی*. ۱۱؛ ۳ (پیاپی ۴۳) صص ۳۲۳ تا ۳۳۶.
- زارع، حسین، مهدویان، علیرضا و نهروانیان، پروانه (۱۳۸۹) اثر محتوای عاطفی تکالیف بر عملکرد حافظه آشکار و ناآشکار دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*. دوره ۴. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۹. صص ۱۲۹-۱۳۳.
- زارع، حسین، قنبری‌ها، ناهید و سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۸۷) مقایسه نحوه بازشناسی حافظه در دانش‌آموزان با و بدون اضطراب اجتماعی. *مجله علوم رفتاری*. دوره ۲. شماره ۳. پاییز ۱۳۸۷. صص ۱۹۳ تا ۱۹۹.
- سعدی پور، اسماعیل و زارع، حسین و قنبری‌ها، ناهید (۱۳۸۷) مقایسه نحوه بازشناسی حافظه در دو گروه افراد افسرده و عادی در میان دانش‌آموزان دختر تهرانی. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی*. زمستان ۱۳۸۶؛ ۳ (۱۰): ۷۳-۸۳.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۵) *اندازه‌گیری و سنجش در علوم تربیتی*. تهران دانشگاه پیام نور.
- کرمی نوری، رضا (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی یادگیری و حافظه با رویکرد شناختی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.
- کرمی نوری، رضا (۱۳۹۰) *روان‌شناسی حافظه و یادگیری: با رویکردی شناختی*. تهران انتشارات سمت. چاپ چهارم
- مهدویان، علیرضا و کرمی نوری، رضا (۱۳۸۵) اثرات توجه سطوح پردازش و علاقه به موضوع درس بر حافظه آشکار و نهان دانشجویان. *مجله تازه‌های علوم شناختی*. سال ۸. شماره ۴. صص ۲۲ تا ۳۲.

- موسوی، شکوفه و کرمی نوری، رضا (۱۳۸۷) مقایسه انواع حافظه رویدادی در دانش آموزان شنوا و ناشنوا. *تازه‌های علوم شناختی*. سال ۱۰. شماره ۴. صص ۸۳ تا ۹۳.
- نجاتی، وحید (۱۳۸۸) مقایسه عملکرد حافظه بالینی در جانبازان نابینا و هم‌تایان بینا. *نشریه طب جانباز*. سال ۲. شماره ۶. زمستان ۱۳۸۸. صص ۱-۶.
- نصرتی، کبری؛ خسروی، زهره، درویزه، زهرا و خدابخش، روشنک (۱۳۸۹) بررسی سوگیری حافظه آشکار و ضمنی (مثبت و منفی) در شرایط آسان و دشوار و ادراک پیامد مخاطره آمیز در دانشجویان افسرده، مضطرب ترکیبی و سالم دانشگاه‌های الزهرا و تهران. *مجله مطالعات روانشناختی*. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا. دوره ۶. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۹.

- Baddeley. A (1982) *Your memory: A users guide*. New York :Macmillan.
- Brewer, Gene; A., Unsworth, Nash (2012) Individual differences in the effects of retrieval from long-term memory, *Journal of Memory and Language*, Volume 66, Issue 3, April 2012, Pages 407-415.
- Brown, A. Aaron; Bodner, E. Glen (2011) Re-examining dissociations between remembering and knowing: Binary judgments vs. independent ratings, *Journal of Memory and Language*, Volume 65, Issue 2, August 2011, Pages 98-108.
- Chan, C.K Jason; Wilford M. Miko; Hughes L. Katharine (2012) Retrieval can increase or decrease suggestibility depending on how memory is tested: The importance of source complexity, *Journal of Memory and Language*, Volume 67, Issue 1, July 2012, Pages 78-85.
- Craik, F. I. M., & Lockhart, R. S. (1972). Levels of processing: A framework for memory research. *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior*, 11, 671-684.
- Craik, f.i ,& tulving,e (1975) depth of processing and the retention od words in episodic memory. *Journal of experimental psychology*, 104, 268-294.
- Godden. D. r. & Baddeley a. d. (1975) Context dependent memory in two natural environment on land and underwater. *British journal of psychology*. 66- pp325-331.
- Hunt, R. Reed; Rawson, Katherine A., (2011) Knowledge affords distinctive processing in memory, *Journal of Memory and Language*, Volume 65, Issue 4, November 2011, Pages 390-405.
- Jarrold, Christopher& Tam, Helen& Baddeley, Alan D. Harvey, Caroline E. (2011) How Does Processing Affect Storage in Working Memory Tasks? Evidence for Both Domain-General and Domain-Specific Effects. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*. VL-37. pp 688- 705, 705a.

- Levy.a.daniel, Rabinyan elinor, vakil ali(2008)forgotten but not gone:context effects on recognition do not require explicitmemory for context._*The quarterly journal of experimental psychology*. 61.11.pp1620 – 1628.
- Mani, Nivedita; Durrant, Samantha; Floccia, Caroline(2012)Activation of phonological and semantic codes in toddlers, *Journal of Memory and Language*, Volume 66, Issue 4, May 2012, Pages 612-622.
- McCormick, D. Mayer, L. Strong; Strong, S. E. (1995) Mood-Congruent Memory and Natural Mood: New Evidence. *Personality and Social Psychology Bulletin* **21** (7): 736–746.
- Mulligan, Neil W; Picklesimer, Milton(2012) Levels of processing and the cue-dependent nature of recollection, *Journal of Memory and Language*, Volume 66, Issue 1, January 2012, Pages 79-92.
- Mulligan.n.w(2003)memory implicit versus explicit. In l node(ed) *Encyclopedia of Cognitive Sciences*. Vol1,2.pp 1114 – 1120. London. England. Nature publication grup.
- Roediger HL, McDermott KB. (1993). Implicit memory in normal human subjects. In *Handbook of Neuropsychology* (Vol. 8.), Boller F, Grafman J (eds). Elsevier Science Publishers: Amsterdam.
- Roediger, h.l. et al(1992) direct comparison of two implicit memory tests: word fragment & word stem completion . *Experimental psychology: learning, memory and cognition*. 18.pp 1251-1269.
- Romero, Kristoffer; Moscovitch, Morris(2012) Episodic memory and event construction in aging and amnesia, *Journal of Memory and Language*, Volume 67, Issue 2, August 2012, Pages 270-284.
- Rothkopf, J.; Blaney, P. (1991) Mood congruent memory: The role of affective focus and gender. *Cognition & Emotion* 5 (1): 53–64.
- Schulz, Kalyann M. Pearson, Jennifer N. Neeley, Eric. Berger, Ralph. Leonard, Sherry. Adams, Catherine E. Stevens, Karen E. (2011)Maternal stress during pregnancy causes sex-specific alterations in offspring memory, performance, social interactions, indices of anxiety, and body mass. *Physiology & Behavior*- VL 104- IS 2-pP 340- 347.
- Smith, S.; Vela, E. (2001). Environmental context-dependent memory: A review and meta-analysis. *Psychology Review*. **8** (2): 203–220.
- Talmi, Deborah; Lucy M, McGarry(2012) Accounting for immediate emotional memory enhancement, *Journal of Memory and Language*, Volume 66, Issue 1, January 2012, Pages 93-108.
- Tibon Roni, Vakili Eli, Goldstein Abraham, Levy Daniel A.,(2012) Unitization and temporality in associative memory: Evidence from modulation of context effects, *Journal of Memory and Language*, Volume 67, Issue 1, July 2012, Pages 93-105.

- Tulving(1974) Cue-dependent forgetting. *American scientist*.v62.pp74-82.
- Tulving, E. (1975). How many memory systems are there? *American Psychologist*, 40, 385–398.
- Tulving. E & psotka. J(1971) Retroactive inhibition in free recall: inaccessibility of information available in the memory trace. *Journal of experimental psychology* .v87.pp1-8.
- Van den Stock, Jan; de Gelder, Beatrice(2012) Emotional information in body and background hampers recognition memory for faces, *Neurobiology of Learning and Memory*, Volume 97, Issue 3, March 2012, Pages 321-325.
- Wiseman. S & Tulving. E(1976)encoding specificity: relations between recall superiority and recognition failure. *Journal of experimental psychology: human learning and memory*.v2.pp349-361.
- Woike, B. A.; Lavezzary, E.; Barsky, J. (2001). The influence of implicit motives on memory processes". *Journal of Personality and Social Psychology* **81** (5): 935–945.
- Zaragoza S.Maria; Mitchell J. Karen; Payment Kristie, Drivdahl Sarah(2011) False memories for suggestions: The impact of conceptual elaboration, *Journal of Memory and Language*, Volume 64, Issue 1, January 2011, Pages 18-31.

خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان

محمود نجفی^۱
غلامرضا دهشیری^۲
سولماز دبیری^۳
منصوره شیخی^۴
نصرت جمفری^۵

چکیده

زمینه: در سال‌های اخیر پژوهش در حیطه روان‌شناسی مثبت افزایش یافته است. بنابراین، بررسی خصوصیات روان‌سنجی ابزارهای پرکاربرد در این حیطه از جمله شادکامی بسیار حائز اهمیت است. **هدف:** هدف از پژوهش حاضر بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان بود. **روش:** بدین منظور نمونه‌ای شامل ۴۲۸ دانشجو با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه شادکامی آکسفورد، پرسشنامه شخصیتی آیزنک، مقیاس رضایت از زندگی، مقیاس عزت نفس روزنبرگ و پرسشنامه افسردگی بک پاسخ دادند. **یافته‌ها:** ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی بازآزمایی در کل نمونه به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پرسشنامه از شش عامل رضایت از زندگی، کارآمدی، احساس خوشی، عزت نفس، اجتماعی بودن و بهزیستی تشکیل شده است. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نشان داد که ساختار عاملی پرسشنامه، تک عاملی است. همچنین ضرایب روایی همگرا و واگرای پرسشنامه در حد بالا و قابل قبولی بود. بین دختران و پسران از لحاظ شادکامی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش بیانگر این است که نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در جامعه دانشجویان از خصوصیات روان‌سنجی قابل قبولی برخوردار است و می‌توان از آن به عنوان ابزاری پایا و روا در پژوهش‌های روانشناختی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: شادکامی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد، ساختار عاملی، پایایی، روایی.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) Email: m_najafi@sun.semnan.ac.ir

۲. دکترای روان‌شناسی و مدرس دانشگاه الزهرا

۳. دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

۴. دکترای روان‌شناسی و کارشناس وزارت آموزش و پرورش

۵. دستیار علمی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

مقدمه

در چند دهه اخیر با ظهور روان‌شناسی مثبت، در تحقیقات روانشناختی تغییرات بسیاری صورت گرفته و علاقه به تحقیق در این حیطه افزایش یافته است (پیترسون و سلیگمن^۱، ۲۰۰۴، شوگرین^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). این شاخه جدید از روان‌شناسی اساساً به مطالعه علمی نیرومندی‌ها، شادکامی و بهزیستی ذهنی^۳ انسان می‌پردازد (اشنایدر و لویز، ۲۰۰۷). با توجه به ظهور روان‌شناسی مثبت، تلاش‌های بسیار زیادی برای روشن شدن مفهوم شادکامی صورت گرفته است. تحقیقات مربوط به این حیطه در روان‌شناسی معاصر، نقش بسیار برجسته‌ای دارند. این امر نشانگر تلاش روان‌شناسان برای بررسی دقیق‌تر این موضوع است. اگر چه امروزه روان‌شناسی مثبت‌گرا به عنوان یک پدیده گسترده در روان‌شناسی مطرح و حجم زیادی از کتاب‌ها و پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. اما یافته‌های حاصل از پژوهش‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا تنها زمانی دارای اعتبار است که سنجه‌ها و روش‌های انجام تحقیقات مرتبط با آن معتبر باشند و به همین دلیل روان‌شناسان مثبت‌گرا تحقیقات زیادی به منظور ساخت و اعتباریابی ابزارهای مختلف سنجش و اندازه‌گیری مقیاس‌های مثبت اختصاص داده‌اند (داک ورت، استین و سلیگمن^۴، ۲۰۰۵). دیدگاه‌های مختلفی در مورد شادکامی وجود دارد که از جمله می‌توان به دیدگاه لذت‌گرایی^۵ و فضیلت‌گرایی^۶ اشاره کرد. طبق دیدگاه لذت‌گرایی ارگانیزم در جستجوی لذت و دوری از درد برانگیخته می‌شود (فرانکن^۷، ۱۹۹۴). در این دیدگاه شادکامی افزایش اثرهای مثبت نظام‌های حسی متفاوت است. برعکس طرفداران دیدگاه فضیلت‌گرایی معتقدند که ارضای امیال به رغم ایجاد لذت همیشه منجر به بهزیستی و شادکامی نمی‌شود. بنابراین شادکامی

-
1. Peterson & Seligman
 2. Shogren
 3. subjective well. being
 4. Duckworth, Steen & Seligman
 5. hedonism
 6. eudaimonism
 7. Franken

نمی‌تواند صرفاً به معنای تجربه لذت باشد (ریان و دسی^۱، ۲۰۰۱). در دیدگاه‌های شناختی شادکامی به عنوان هیجانی است که از پردازش، فهم و دستیابی به یک هدف به وجود می‌آید (داناولد^۲، ۱۹۹۷).

در اولین پژوهش‌ها، برای سنجش شادکامی پرسش مستقیم "چقدر شاد هستید؟" به کار برده شد. این پرسش دارای سه گزینه‌ی خیلی شاد، تا حدی شاد و ناشاد بود و بسیاری از تحقیقات انجام شده برای اندازه‌گیری شادکامی از همین روش استفاده کرده‌اند. به تدریج در طی سال‌ها، ابزارهای متعددی برای سنجش شادکامی ساخته شد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقیاس تعادل عاطفی برادبرن^۳ (۱۹۶۹)، مقیاس شادکامی ذهنی^۴ (لیبومیرسکی و لیپر^۵، ۱۹۹۹)؛ مقیاس شادکامی - افسردگی (جوزف و لويس^۶، ۱۹۹۸)؛ مقیاس کوتاه شادکامی - افسردگی (جوزف، لینلی، هووارد و لويس و مک کولام^۷، ۲۰۰۴) و پروتکل تحقیقی خلق و شادکامی^۸ (استونز، کوزما، هیردس و گولد^۹، ۱۹۹۶). یکی دیگر از ابزارهایی که در مورد سنجش شادکامی ساخته شده و حجم وسیعی از تحقیقات را به خود اختصاص داده، فهرست شادکامی آکسفورد^{۱۰} (OHI) است (آرگیل، مارتین و کروسلند^{۱۱}، ۱۹۸۹). پایه نظری پرسشنامه شادکامی آکسفورد تعریف آرگیل و کروسلند^{۱۲} (۱۹۸۷) از شادکامی بود. آرگیل و کروسلند (۱۹۸۷) جهت ارائه یک تعریف عملیاتی از شادکامی آن را دارای سه بخش مهم شامل فراوانی و درجه عاطفه مثبت یا احساس خوشی، میانگین سطح رضایت در طول یک دوره، و نداشتن احساس

1. Ryan & Deci
2. Dunavold
3. Bradburn Affect Balance Scale
4. Subjective Happiness Scale
5. Lyubomirsky & Lepper
6. Lewis
7. Linley, Harwood, Lewis, & McCollam
8. Happiness and Affect Research Protocol
9. Stones, Kozma, Hirdes & Gold
10. Oxford Happiness Inventory
11. Argyle, Martin & Crossland
12. Crossland

منفی افسردگی و اضطراب دانسته‌اند. آرگیل و همکاران (۱۹۸۹) ۲۱ سؤال از سئوالهای فهرست افسردگی بک^۱ را معکوس کردند و ۱۱ سؤال دیگر به آن اضافه کردند تا سایر جنبه‌های بهزیستی ذهنی را پوشش دهد. سرانجام نسخه نهایی با ۲۹ سؤال چهارگزینه‌ای آماده شد و در آن پاسخ دهنده خود را از احساس ناشادی تا احساس شادی بسیار، ارزیابی می‌کند (فرانسیس، براون، لستر و فیلیپچالک^۲، ۱۹۹۸). بین این ابزار با ارزیابی دوستان، ابعاد شخصیتی، حمایت اجتماعی و استرس همبستگی بالایی گزارش شده است (آرگیل، ۲۰۰۱). ضریب آلفای این فهرست در یک مطالعه بین فرهنگی در دانشجویان (استرالیا، آمریکا، کانادا و انگلیس) در دامنه ۰/۸۹ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۸). فارنهام و بروینگ (۱۹۹۰) آلفای ۰/۸۷ را گزارش کرده‌اند. آرگیل و لو (۱۹۹۰) پایایی بازآزمایی ۰/۷۸ را پس از ۶ هفته و ۰/۶۷ را پس از ۵ ماه گزارش کرده‌اند. علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) ضریب آلفای کرونباخ فهرست شادکامی آکسفورد را ۰/۹۸، پایایی به روش دو نیمه کردن ۰/۹۲، و پایایی به روش بازآزمایی پس از سه هفته را ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. در تحقیق عابدی، میرشاه جعفری و لیاقت دار (۱۳۸۵) همبستگی این فهرست با پرسش نامه شادکامی فوردایس در یک نمونه ۷۲۷ نفری ۰/۷۳، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵، پایایی به روش بازآزمایی ۰/۷۳، با روش اسپیرمن براون ۰/۷۹ و با روش گوتمن ۰/۷۸ گزارش شده است.

با توجه به گسترش پژوهش‌ها در حیطه‌ی روان‌شناسی مثبت‌گرا و در نتیجه اعتبار یافته‌های حاصل از آن، تلاش برای بهبود خصوصیات روان‌سنجی فهرست شادکامی آکسفورد همچنان ادامه دارد. هیل و آرگیل (۲۰۰۲) نسخه جدید فهرست شادکامی آکسفورد (OHI) را تحت عنوان پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۳ (OHQ) با روش نمره گذاری جدید و معکوس کردن تقریباً نیمی از سئوال‌ات بررسی و منتشر کردند. از نظر هیل

1. Beck Depression Inventory
2. Francis, Brown, Lester & Philipchalk
3. Oxford Happiness Questionnaire

و آرگیل (۲۰۰۲) پرسشنامه شادکامی آکسفورد نسخه اصلاحی فهرست شادکامی آکسفورد (آرگیل و همکاران، ۱۹۸۹) در سنجش بهزیستی ذهنی است. در نسخه اصلاحی، پاسخدهی از شکل انتخاب چهارگزینه‌ای صفر تا سه به طیف وسیع‌تری از مقیاس لیکرت (۱ = کاملاً مخالفم تا ۶ = کاملاً موافقم) تغییر کرده است. ضریب همسانی درونی پرسشنامه ۰/۹۱ و ضریب همبستگی سئوال‌ات بین ۰/۰۴- و ۰/۶۵ با میانگین ۰/۲۸ گزارش شده است. همچنین همبستگی نمرات پرسشنامه با فهرست شادکامی آکسفورد ۰/۸۰ گزارش شده است (هیل و آرگیل، ۲۰۰۲).

هیل و آرگیل (۲۰۰۲) روایی سازه بالا و قابل قبولی را برای پرسشنامه شادکامی آکسفورد از طریق همبستگی با مقیاس‌های خود گزارش دهی صفات شخصیتی و نیرومندی‌های انسان^۱ گزارش کرده‌ند. همبستگی مثبت و معناداری بین نمرات پرسشنامه با نمرات برون‌گرایی، رضایت از زندگی، عزت نفس، خوش بینی، احترام به زندگی و شادکامی مشاهده شده است. همچنین همبستگی منفی معناداری بین نمرات پرسشنامه با روان رنجورخویی و روان‌پریش خویی مشاهده شده است. هیل و آرگیل (۲۰۰۲) بیان کرده‌اند که با توجه به این که همبستگی نمرات صفات شخصیتی و نیرومندی‌های انسان در پرسشنامه شادکامی آکسفورد در مقایسه با فهرست شادکامی آکسفورد قوی‌تر است، لذا پرسشنامه شادکامی آکسفورد برای سنجش شادکامی نسبت به فهرست شادکامی آکسفورد بهتر است.

هیل و آرگیل (۱۹۹۸b) و آرگیل (۲۰۰۱) با استفاده از تحلیل عاملی به هفت عامل رضایت از زندگی^۲، کارآمدی^۳، اجتماعی بودن^۴، بهزیستی^۵، شناخت مثبت^۶، احساس

-
1. human strengths
 2. satisfaction with life
 3. efficacy
 4. sociability
 5. well-being
 6. positive cognition

خوشی^۱ و عزت نفس دست یافتند. آرگیل، مارتین و لو^۲ (۱۹۹۵) در تحلیل عاملی به هفت عامل شناخت مثبت، تعهد اجتماعی^۳، عاطفه مثبت^۴، حس کنترل^۵، تناسب فیزیکی^۶، رضایت از زندگی و هوشیاری سلامتی^۷ دست یافتند. لیاقت دار، جعفری، عابدی و سمیعی (۲۰۰۸) در تحقیقی به شش عامل رضایت از زندگی، لذت^۸، عزت نفس، آرامش^۹، کنترل و کارآمدی دست یافتند. هیل و آرگیل (۲۰۰۲) در تحلیل عاملی پرسشنامه شادکامی آکسفورد به هشت عامل دست یافتند که ۶۴/۳ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کرد. در تحلیل عاملی مرتبه دوم، هشت عامل به دست آمده بیانگر ساختار تک عاملی پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود که نشان دهنده این است که سازه بهزیستی ذهنی که به وسیله این پرسشنامه اندازه‌گیری می‌شود بهتر است تک عاملی در نظر گرفته شود. در ایران عابدی و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از تحلیل عاملی به شش عامل رضایت از زندگی، احساس خوشی، عزت نفس، آرامش، احساس کنترل و کارآمدی دست یافتند که در مجموع این شش عامل ۷۴/۳۶ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کرد. علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) با تحلیل عاملی به پنج عامل رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس دست یافتند. با توجه به اینکه در دهه‌های اخیر پژوهش در حیطه روان‌شناسی مثبت افزایش یافته، بررسی خصوصیات روان‌سنجی ابزارهای پرکاربرد در این حیطه بسیار حائز اهمیت است، زیرا ابزارهای فاقد پایایی و روایی نتایج حاصل از تحقیق را هم بی اعتبار می‌کند. بنابراین هدف پژوهش حاضر خصوصیات روان‌سنجی و تحلیل عاملی نسخه فارسی پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHQ) بود.

-
1. cheerfulness
 2. Martin & Lu
 3. social commitment
 4. positive affect
 5. sense of control
 6. physical fitness
 7. mental alertness
 8. joy
 9. calm

روش

روش پژوهش، روش توصیفی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در یکی از دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بودند. از بین جامعه دانشجویان ۴۸۶ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند که از این تعداد ۲۴۱ نفر دختر، ۲۰۷ نفر پسر و ۲۱ نفر نیز بدون پاسخ بودند. دانشجویان انتخاب شده در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و شهید بهشتی مشغول به تحصیل بودند. دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۱۸ تا ۳۹ سال با میانگین ۲۱/۵ و انحراف استاندارد ۲/۷۱ بود.

ابزار

پرسشنامه شادکامی آکسفورد

این پرسشنامه نسخه اصلاحی فهرست شادکامی آکسفورد است که توسط هیل و آرگیل (۲۰۰۲) منتشر شده و شامل ۲۹ سؤال با مقیاس پاسخگویی لیکرت ۶ درجه‌ای کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹۱ گزارش شده است. همچنین ارتباط معناداری بین این پرسشنامه با نمرات رضایت از زندگی، خوش بینی، برون‌گرایی و روان رنجورخویی گزارش شده است (هیل و آرگیل، ۲۰۰۲). ابتدا پرسشنامه توسط دو نفر از اساتید زبان انگلیسی به طور مجزا به فارسی ترجمه شد. سپس نسخه فارسی پرسشنامه توسط یکی از اساتید دیگر به زبان انگلیسی مجدداً ترجمه شد. بعد از نظرخواهی و رفع برخی از تفاوت‌های ایجاد شده در ترجمه انگلیسی به فارسی و برعکس، نسخه فارسی پرسشنامه برای اجرا آماده شد.

پرسشنامه شخصیت آیزنگ - فرم کوتاه^۱ (EPQ-RS)

این پرسشنامه یک پرسشنامه خودسنجی ۴۸ سؤالی است که برای سنجش سه بعد

1. Eysenck Personality Questionnaire Revised Short. Scale

شخصیت روان رنجورخویی، برون‌گرایی و روان‌پریش‌خویی است. هر زیر‌مقیاس شامل ۱۲ سؤال است (ایوکویک^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). فرانسیس^۲ (۱۹۹۹) ثبات درونی این پرسشنامه را روی دانشجویان در چهار کشور انگلستان، کانادا، آمریکا و استرالیا قابل قبول گزارش کرده است. کارانسی، دریک و یولماز^۳ (۲۰۰۷) ضریب آلفای کودر ریچاردسون برای مقیاس‌های برون‌گرایی و روان رنجورخویی را به ترتیب برابر ۰/۷۸ و ۰/۶۵ و اعتبار خرده‌مقیاس‌ها به روش بازآزمایی برابر با ۰/۸۴ و ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند. در ایران بخشی پور رودسری و باقریان خسروشاهی (۱۳۸۵) خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه را رضایت بخش گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر از خرده‌مقیاس‌های برون‌گرایی و روان رنجورخویی استفاده شد.

مقیاس عزت نفس روزنبرگ

این مقیاس شامل ۱۰ سؤال است که ۵ سؤال آن منفی و ۵ سؤال آن مثبت می‌باشد. هر سؤال دارای دو گزینه به صورت موافق و مخالف است. اعتبار واگرا و همگرایی آن در بسیاری از تحقیقات مناسب و قابل قبول گزارش شده است (آرن^۴ و همکاران، ۱۹۹۳؛ به نقل از جین، ۲۰۰۱). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش مظلومی محمود آباد، مهری و مروتی شریف آباد (۱۳۸۵) ۰/۷۸ گزارش شده است. در پژوهش زاده محمدی و همکاران (۱۳۸۶) ضریب بازآزمایی برای کل مقیاس با فاصله زمانی یک، دو و سه هفته به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ به دست آمده است.

مقیاس رضایت از زندگی^۵

داینر، ایمونز، لارسن و گریفین^۶ (۱۹۸۵) مقیاس رضایت از زندگی را برای همه گروه‌های

-
1. Ivkovic
 2. Francis
 3. Karanci, Dirik & Yorulmaz
 4. Arns
 5. satisfaction with life scale
 6. Diener, Emmons, Larsen & Griffin

سنی تهیه کردند. ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۷ و ضریب باز آزمایی آن ۰/۸۲ گزارش شده است (به نقل از کار^۱، ۲۰۰۴). مظفری (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۵ و ضریب باز آزمایی آن در فاصله ۶ هفته برابر با ۰/۸۴ گزارش کرده است. خیر و سامانی (۱۳۸۳) نیز این پرسشنامه را در ایران منطبق و روایی و پایایی قابل قبولی برای آن گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه افسردگی بک^۲

این پرسشنامه یک مقیاس خود گزارش دهی ۲۱ سوالی است که برای سنجش افسردگی بکار می‌رود. هر سوال دارای ۴ گزینه است و از صفر تا سه نمره گذاری می‌شود، ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه در جامعه بهنجار ۰/۸۱ گزارش شده است (بک، استیر و گارین^۳، ۱۹۸۸). رجبی (۱۳۸۴) ضریب همسانی درونی آن را ۰/۸۹ گزارش کرده است.

یافته‌ها

به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ضرایب همسانی درونی و باز آزمایی پرسشنامه به تفکیک جنسیت

کل	دختر	پسر	جنسیت
			پایایی
۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۹	ضریب آلفا
۰/۷۹	۰/۷۹	۰/۷۷	ضریب پایایی

چنانچه از جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ در کل نمونه ۰/۹۰ و در نمونه پسران و دختران به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۹۰ و دامنه ضریب همبستگی بین سوالات بین ۰/۰۵- تا ۰/۷۳ با میانگین ۰/۲۴ به دست آمده است. ضریب همبستگی بین

1. Carr
2. Beck Depression Inventory
3. Beck, Steer, & Garbin

سئوالات با نمره کل آزمون بین ۰/۲۷ تا ۰/۶۵ است. ضریب بازآزمایی در کل نمونه با فاصله زمانی یک ماه ۰/۷۹ و در نمونه پسران و دختران به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۹ به دست آمد. به منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از تحلیل عاملی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش وریماکس استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری نشان داد که نمونه پژوهش برای تحلیل عاملی مناسب است ($KMO=0/91$). همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت بیانگر همبستگی معنی‌دار کافی بین سئوالات پرسشنامه بود ($\chi^2(120) = 23344/53, P < 0/001$). برای تعیین تعداد عامل‌ها از ملاک ارزش‌های ویژه بالاتر از یک استفاده شد. شش عامل دارای ارزش ویژه بالاتر از یک بود، که ۵۲/۹۰ درصد از واریانس پرسشنامه را تبیین می‌کردند. ساختار ۶ عاملی با استفاده از چرخش وریماکس چرخش داده شدند. در جدول ۲ بارهای عاملی سئوالات روی هر یک از عوامل ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه شادکامی آکسفورد

سؤال	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
۳	۰/۷۶					
۹	۰/۶۹					
۱۲	۰/۶۱					
۱۰	۰/۴۸					
۷	۰/۴۶					
۲۰		۰/۷۰				
۲۱		۰/۶۴				
۱۸		۰/۶۳				
۲۶		۰/۵۵				
۲۵		۰/۵۳		۰/۴۲		
۸		۰/۵۲				
۲۷			۰/۶۶			
۲۸			۰/۵۷			

شماره	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	سؤال
			۰/۵۲			۲۴
			۰/۵۱			۶
			۰/۴۹			۱۹
			۰/۴۹			۲۹
			۰/۴۴			۵
		۰/۷۷				۱۱
		۰/۷۲				۱۵
		۰/۵۷			۰/۴۱	۲۲
		۰/۴۹		۰/۴۵		۱۷
	۰/۷۰					۱۳
	۰/۶۳					۱۴
	۰/۶۳					۲۳
	۰/۵۰					۱
۰/۶۹						۲
۰/۶۷						۴
۰/۵۰						۱۶
۱/۰۵	۱/۰۸	۱/۴۷	۱/۵۹	۲/۱۲	۸/۰۴	ارزش ویژه
۳/۶۳	۳/۷۱	۵/۰۸	۵/۴۴	۷/۳۲	۲۷/۷۱	درصد واریانس

با توجه به محتوای سئوالات هر عامل، عامل‌ها به ترتیب رضایت از زندگی، کارآمدی، احساس خوشی، عزت نفس، اجتماعی بودن و بهزیستی نام گذاری شد.

به منظور بررسی ساختار عاملی مرتبه دوم پرسشنامه شادکامی آکسفورد، نمرات شش عامل به دست آمده از تحلیل عاملی مرتبه اول محاسبه شد و با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی مجدداً مورد تحلیل قرار گرفت. تنها مقدار ویژه یک عامل بالاتر از یک بود که ۵۲/۳۳ درصد از واریانس شش عامل پرسشنامه را تبیین می‌کرد. در جدول ۳ بارهای عاملی هر یک از عامل‌های پرسشنامه ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم پرسشنامه شادکامی آکسفورد

متغیر	بارعاملی
رضایت از زندگی	۰/۸۱
کارآمدی	۰/۷۳
احساس خوشی	۰/۸۰
عزت نفس	۰/۷۷
اجتماعی بودن	۰/۶۵
بهبودی	۰/۵۳
ارزش ویژه	۳/۱۴
درصد واریانس	۵۲/۳۳

توجه به جدول ۳ نشان می‌دهد که دامنه بارهای عاملی بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۱ است. بنابراین با توجه به نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم می‌توان نتیجه گرفت که ساختار پرسشنامه شادکامی آکسفورد تک بعدی است. به منظور بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسشنامه، همبستگی نمرات آن با نمرات افسردگی، روان رنجورخویی، رضایت از زندگی، عزت نفس و برون‌گرایی محاسبه شد که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین نمرات پرسشنامه با سایر متغیرها

متغیر	شادکامی	تعداد
افسردگی	*-۰/۷۳	۴۲
روان رنجورخویی	*-۰/۵۷	۴۲
رضایت از زندگی	*۰/۷۱	۴۰
عزت نفس	*۰/۷۰	۳۸
برون‌گرایی	*۰/۶۲	۴۰

* $P < ۰/۰۱$

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، همبستگی بین نمرات شادکامی با نمرات افسردگی منفی و معنی دار است [$r(۴۲) = -۰/۷۳$ ، $P < ۰/۰۰۱$]. همچنین همبستگی منفی